



## وضع اطلاع رسانی فرهنگی در استان همدان

### پرویز اذکاتی

مقایسه کلی اگر «نیمه خالی لیوان» دیده می شود؛ یعنی اگر منقصتها، عقب ماندگیها، افتها و عیبها بیان می گردد، هرگز بدان معنا نیست که در روند عمومی و از منظر کلی، امر علم و تحقیق در این مملکت پیشرفتی حاصل نکرده است. بلکه بدین معناست که نسبت به بالندگی شتابان و گسترده‌ی پرداخته‌ی دانشها و پژوهشها در عصر حاضر، آهنگ پیشرفت بسیار کند بوده است. کیفیت امر نسبت به افزایش کمی و علی رغم کثرت مواد، در همه زمینه ها کاهش پذیرفته است. وسایل کاربردی و کتابخانه ای با وجود تزیید و تعدد مراکز، چنان که باید از عهدۀ امور خدماتی پژوهش برنیامده اند، و با این وضع که دارند هم برنخواهند آمد.

بنای پژوهش، خواه در رشته های علوم اثباتی و خواه در رشته های علوم انسانی و یا - چنان که گذشت - به طور اعم در زمینه های فرهنگی، با تأسیس دانشگاه در ایران شالوده یافت؛ که با گذشت تقریباً ۶۰ سال از عمر این نهاد، می توان نمودار افت و خیز این روند را طی سه نسل متوالی محققان و استادان ترسیم نمود. به نظر این جانب چنین می رسد که گویی هر يك از سه نسل مزبور تجارب گذشته را خود يك بار دیگر تجربه و تکرار کرده است. بدبختی ما، از جمله در همین جاست، که هر نسل خلف به جای کار بست و کاربرد و بهره وری آزمونها و تجارب اسلاف، خود از نو و دوباره و بل چند باره،

چنان که در امر کاربرد مراکز و سازمانهای پژوهشی فرهنگی و اطلاع رسانی، پرهیز از هرگونه کلی گویی و مباحث تئوریک مرعی باشد؛ راقم این سطور، حیطة گفتاربا اختصار خود را به طور مشخص، محدود به منطقه همدان، و حتی بر وضع جاری پژوهش و چگونگی بهره وری از اطلاعات در مرکز اسناد دانشگاهی که در آنجا ایفای خدمت می کند؛ مقصور می نماید. هم چنین، چنان که از عنوان بحث و سازمان متصدی امر که يك مؤسسه «فرهنگی» است برمی آید، قلمرو مباحث هم در حوزۀ فرهنگی است؛ یعنی حسب تعبیر کلی و مفاد آن، شامل معارف عمومی و در وجه اخص و از موضع فصل، همانا علوم انسانی (Human Sciences) است. خصوصاً آن که خورد دانشهای مرجع شناسی و اطلاع رسانی از مقولۀ علوم اثباتی (Positive Sciences) محسوب نمی شوند. و به هر حال آن طور که مستفاد می گردد، اطلاق «فرهنگی» حتی در مورد معارف علمی (Applied knowledges) متعارفاً بر مسائل و موضوعات انسانی - اجتماعی متوقف است.

با این وصف، گریزی از اشاره ای مقدماتی بر جریان عمومی پژوهش در اوضاع و احوال کنونی نیست. و هر چند ممکن است کلی گویی تلقی شود، مقایسه ای - ولو اندک - با وضع تحقیقات در چند دهه گذشته ضروری است. در این

بدون توجه به کارهای قام و ناقام گذشتگان تا آنجا که آنها رسیده اند، دست به کار شده و آغاز کرده اند. این يك سير قهقرایی، ضد استکمالی و عقب ماندگی از قافله است که «ره به ترکستان» می برد، و به «کعبه مقصود» نمی رسد. اگر قرار بود که نسلهای بشری، تجربتهای گذشتگان را به کار نیندند، و خود از نو فقط به تکرار همان امور بپردازند، که آدمی ابتدا بدین پایه از پیشرفت نائل نمی آمد، و اکنون هم مثل چند هزار سال پیش در عصر حجر سرگردان می بود. مگر نه آنکه امیرالمؤمنین علی - ع - فرموده است: «فی التجارب علم مستأنف». و مگر نه اینکه قدمای ما گفته اند: «التجارب لقاء العقول».

باری، از روزی که نظام آموزشی دانشگاههای مملکت را «واحد» می کردند، و در پی آن خدمات کتابداری را هم در سیستم آمریکایی (C. S. یا منحل نمودند، و اسر پژوهش و فرهنگ پژوهی را با مقیاسهای آمریکایی و غربزدگی پررنگ کردند، و در این تغییر به اصطلاح «سیستم» ها ملک را بر مقدار غنای دانشجو و استاد و کمیّت مقاله و کتاب گذاشتند، بر وزن «بهر چه مدرسه گرایان را به راه انداختند؛ و کردند آنچه کردند، و نتایج و ثمرات آن امروزه دامنگیر نسلی است که متأسفانه خود به تکرار تجارب آغازیده است. دریک کلمه بگویم که محققان واقعی و اساتید برجسته نسل قبل، بنابر همان عوارض و آثار نامیمون، بدون استثنا بلاخلف ماندند. به عنوان مثال: علامه قزوینی، ملک الشعراء بهار، فاضل نوینی، اقبال آشتیانی، جلال همایی، بدیع الزمان فروزانفر، سید محمد مشکاة، شهید مطهری و... بدون جانشین درگذشتند. سنت گرسی و حلقه درس و بحث و تحقیق، جای خود را به چند «واحد» و چند «نمره» داد؛ یعنی به مانند دبستان و مدرسه راهنمایی که چنین است. سنن تحقیق و مناہج آن، تجارب و موارث محققان، زمینه رشد و ترقی و استمرار و پیدانکرد، و جز بقیّتی قلیل امکان ادامه حیات نیافت.

حال برای آنکه زیاد هم کلی بافی نکرده باشم، مرتبط باموضوع بحث، سطوری چند از يك مقاله پانزده سال پیش خود را که راجع به یکی از کتابشناسیهای آن زمان نوشته ام، و بیانگر وضع موجود می باشد، عیناً به نقل می آورم:

«دانش بر دو قسم است: یا ما موضوعی را می دانیم، و یا می دانیم در کجا می توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم. وقتی ما راجع به هر موضوعی می خواهیم تحقیق کنیم، نخستین کاری که باید انجام دهیم آن است که بدانیم چه کتابهایی در آن موضوع بحث می کند. به همین سبب است که امروزه با توجه به تعریف کتابشناسی: کسی که بداند در علم بخصوص چه کتابهایی موجود است، و چه کتابهایی انتشار یافته، و از چه منابع و مآخذی می توان درباره آن علم کسب اطلاع کرد، دیگر کتابشناسی و کتابداری را دانش شناسی می نامند.

باری، یکی از علتهای عمده دوباره کاریها، بلکه دوباره کاریها و عمر و وقت و پول و توان و کاغذ تلف کردنهای به عبث، و رکود و نابسامانی و حتی انحطاط و ابتذال در امور علمی - ادبی - پژوهشی، همانا فقدان کتابشناسیهای لازم در دانش و موضوعات مورد نظر و یا - از همه بدتر که بدبختانه در کشور ما بیماری و آگیر استاد و دانشجو و محقق قاست - بی اطلاع بودن از چنین کتابشناسیها، و رجوع نکردن به آنهاست. پیشتر، در بررسی فرهنگ شاهنامه «ولف» یاد کردیم که بر اثر ناآگاهی از آن فرهنگ، چگونه برخی به طمع استقصای واژه مثلاً گرز و سپر در شاهنامه، عمری بیهوده تلف کرده اند و هم اکنون هم می کنند و در آینده هم متأسفانه خواهند کرد. درحالی که گفتیم این چراغ عمر را دیگری سوخته است

تازگی نداشت» می توان گفت که اگر هر يك از اصحاب مقالات فقط يك نظر به «کتابشناسی فردوسی» افکنده بودند، بدون شك آن دوباره یا چندباره گویی و تکرار مکررات پیش نمی آمد، و ای بسا که دنباله تتبعات دیگران گرفته می شد، کارهای پیشین صورت کمال و تکمیل می یافت، و از مجموع بسا که نوجوییها و نوآوریها امکان ظهور و بروز پیدا می کرد.

بی استفاده ترین و بی کاره ترین کتابهای مرجع در کتابخانه ها، همین کتابهای مرجع شناسی و کتابشناسی است. واضح و از بدیهیات است که نخستین گامی که هر دانشجو، مدرس، استاد و پژوهنده باید برای حصول اطلاع از موضوعی یا مطلب خاص بردارد، که می خواهد راجع به آن بنویسد یا آن را پژوهد، همانا تصفح و تورق، ملاحظه و مطالعه کتابشناسیهای مربوط بدان است. متأسفانه اغلب کتابشناسیها و فهرستهای توصیفی یا موضوعی در کتابخانه های ما بود و نبودشان یکی است، جزو چیزهای راکد و زائد برشمارند.

فقدان متخصصان اطلاع رسانی یا اهل اطلاع و مشاوران مرجع شناسی در کتابخانه ها نیز از جمله مسایل و تقاضی است. کتابداران متخصص هم یا وجود ندارند، و یا بسیار اندکند، و آن عده هم که هستند عملاً «کتاب بده» اند (اصطلاحی که خودشان به کار می برند)، نه راهنمای مراجعان در جهت دستیابی به کتاب یا مرجع مربوط یا مطلوب. کمبود جا یا عاریتی بودن مکان در اغلب کتابخانه های موجود، هم از بابت مخازن و مراجع یکی دیگر از معضلات است. اصطلاح «منزل موقت» در بین کتابداران حاکی از بی ثباتی و غیر جدی گرفتن امر خدمات کتابداری و اطلاع رسانی می باشد. پدیده منفی و متأسفانه عمومی، همانا سپردن اداره امور کتابخانه ها و مراکز اسناد به مدیران ومسولان غیر متخصص در رشته کتابداری است که باید گفت این وضع طی دهه اخیر زبانهای جبران ناپذیری به امر علم و کتاب و تحقیق

تا دانش شتاب گیرد و از حرکت و نوجویی بازماند. تحقیق و تحقیقات که يك یا دو یا معدودی «در» ندارد، ابواب آن بی شمار است و دیدگاهها در هر دانش و فن بسیار؛ رهروی باید آغازید و از دری باید گذشتن که دیگر کس یا کسان نگشوده باشند. ناآگاهی از مرجع شناسیها، و یا - بدتر، رجوع نکردن به آثار پیشین در امور علمی - پژوهشی به وسیله کتابشناسیها، و نگارش چیزی که نه به قصد اکمال و تکمیل، و یا نقد و رد و اثبات اثر مشابه قبلی پدید می آید، یا نشخوارکردن حرفها و تقلید کارهای پیشین و پیشینیان - که خوشبختانه اغلب بی رنگ و باسماهی و تقلبی از کار درمی آید - ایستایی محض است. و چون نفس دانش، نوجویی و پویایی است، پس ایستایی نیز این چنین، دشمن نوجویی و پویایی و دانش هستند. تازه این امر، در مورد دوباره کارهایی است که باحسن نیت، لیکن ناآگاهانه پدید می آید؛ ورنه سرقت و سلخ و انتحال و الیام آثار پیشین، خود بحثی دیگر است.

نتیجه این عقب ماندگی از حرکت علم، و ناآگاه ماندن از تحقیقات و پژوهشهای دیگر دانشمندان، آن است که دوباره کارهای زیادی در بسیاری از زمینه های علمی و پژوهشی صورت می گیرد. و مقدار این دوباره کاریها را در حدود پنجاه درصد تمام تلاشها و کوششهای دانشمندان تخمین زده اند. «مجله هنر و مردم» (شماره ۱۵۳، ۱۵۴، تیر - مرداد ۱۳۵۴). ص ۱۹۰-۱۹۸.

گواهی که می توان امروزه بر وضع موصوف آورد، از جمله و يك فقره، خطابه ها یا گفتارهایی است که در گنگره اخیر هزاره تدوین شاهنامه فردوسی ارائه شد؛ که به قول یکی از دست اندرکاران: «از سیصد و چند ده مقاله، جز معدودی

وارد کرده است. افزون بر اینها، قلمت بودجه کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و پاناکافی بودن آن را هم باید یاد کرد.

کتابخانه را کمتر به عنوان يك واحد پژوهشی و آموزشی می‌شناسند، بلکه به قول رئیس اسبق کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: «کتابخانه‌های ایران غالباً مجلس صحبت و گفتگوست و هم قرائت خانه؛ درحالی که وظیفه محل رجوع پژوهشی و آموزشی هم دارد». باید افزود که اکثر دانشجویان شیوه‌های به‌سره‌وری از برگه‌های کتب و روشهای استفاده از کتابهای مرجع را نمی‌دانند. یکی از گرفتاریهای مضاعف کتابداران همین است که پابایستی به یاری حافظه کتابی یا مرجعی را پیدا کنند و به دست آنان بدهند؛ یا این که خود به جای مراجعان در برگه‌داناها به جستجو پردازند. چنین می‌نماید که آموزش طریقه استفاده از کتب و مراجع و برگه‌داناها، و شناخت طبقه‌بندیهای کتابخانه‌ها برای دانشجویان سالهای اول و دوم و بسا بالاتر ضروری است.

باری، مرکز اسناد از جنبه نظری اطلاعات به مفهوم پژوهشگاه، جایگاهی که علوم حسب محتوا و موضوع در متون تخصصی مضبوط است، و از جنبه عملی در مفهوم خدمات عمومی، فنون کتابداری و طرق ارائه مضبوطات می‌باشد. مرکز اسناد عبارت است از کاربرد و سازمان‌دهی اطلاعات، و رکن اساسی تشکیلات کتابشناسی و مرجع‌شناسی، که جوابگویی احتیاجات محققان باشد، وظیفه آن تسریع انتشار اطلاعات مضبوط بین يك یا گروه متخصصان معین شده است. هدف مرکز اسناد آن نیست که انتشار اطلاعات را در بین عوام و اشخاص عادی و غیر متخصص تسهیل نماید؛ چنین کاری شاید در جزو وظایف و اهداف کتابخانه‌های عمومی باشد.

\*\*\*

در استان همدان به روی هم سی کتابخانه هست که بیست و پنج واحد آن عمومی، يك کتابخانه آن حوزه‌ای، و چهار کتابخانه آن دانشگاهی است. از اینها دو واحد عنوان

«مرکزی» و «مرکز اسناد» بر آنها نهاده آمده است. کتابخانه‌های عمومی شهرهای استان غالباً فاقد برگه‌های کتاب و راهنماست. تعداد کتابهای آنها طی ده سال گذشته کم شده که زیاد نشده است. یکی به علت منظور نکردن بودجه خرید سالیانه و یا عدم ارسال کتب از مرکز که سابق بر این معمول بود. دوم به سبب پاکسازی کتب و خارجسازی بعضی کتابها و مجلات از قفسه‌ها و نهادن آنها در مخزنهای راکد و انبارها.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان کتابخانه دایر با برگه‌ها و کارت کتاب ندارد، دانشجویان آنجا برای اداء تکلیف‌هایشان از اینجا به آنجا سفیر و سرگردانند. هیچ‌جا آنان را به سبب فقدان امکانات و مقدر نبودن ارائه خدمات، نمی‌پذیرند. اداره کل برنامه و بودجه همدان يك کتابخانه اختصاصی و اسنادی دارد که حاجات مراجعان محدوده خود را به زحمت رفع می‌کند.

کتابخانه حوزه ای غرب (مدرسه آخوند) زمانی از معتبرترین کتابخانه‌های منطقه غرب ایران بود که گذشته از ارائه خدمات به طلاب و مدرسان حوزه، مرجع و مآب اکثر کتابخوانان، نویسندگان و فرهنگیان به شمار می‌رفت. در آنجا، علاوه بر مجموعه چند هزار جلدی کتب چاپی عربی و فارسی، حاوی حدود دو هزار نسخه خطی - اغلب - نفیس است که فهرست آن تهیه و طبع شده است. ولی متأسفانه امروزه وضع بسیار نامطلوب و غیر قابل استفاده‌ای پیدا کرده است. به طوری که نه کتابدار به تعداد ضروری دارد، نه دستگاه تکثیر یا فیلم و عکس دارد، نه وضع ساختمان و

شدند، روند سقوط و نزول کمی و کیفی و علمی دانشگاهی و حیثیت و اعتبار آکادمیک آغاز گردید که به گفته صاحب نظران: صدمات و لطماتی که به این نوزاد فرهنگی و پژوهشی در همدان وارد آمد، ابتدا جبران ناپذیر است، و تا آخر عمر «شل و فل» باقی خواهد ماند. (این قافله تا به حشر لنگ است.)

باری، کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی، با احتوا بر مجموعه مخطوطات یاد شده، و کتب چاپی مزبور، خصوصاً مجموعه «صلاح عثمان هاشم»، به صورت بالقوه یکی از غنی ترین و کارآمدترین کتابخانه های کشور از لحاظ اطلاع رسانی فرهنگی و پژوهشی در رشته های شرقشناسی، اسلامشناسی، ایرانشناسی، عربشناسی، ترکشناسی، تاریخ و جغرافیا، زبان و زبانشناسی، دین و علم و فلسفه، و سایر رشته های علوم انسانی - اجتماعی و حتی علوم اثباتی است. و نظر به احتوای آن بر منابع و مراجع کمیاب و نایاب و حتی منحصر به فرد، بی گزاف در برخی از رشته ها در سرتاسر کشور بی همتاست. ولی متأسفانه، تکرار می کنم که فعلاً این وضع بالقوه آنجاست؛ اما وضع واقع بالفعل اطلاع رسانی و کاربردی این مرکز اسناد و ارائه خدمات در آنجا، از محدوده کار عادی در سطح بسیار نازل دانشجویی فراتر نمی رود.

معلوم و متعارف است که وظایف و اهداف کتابخانه های مرکزی و مرکز اسناد بطور عمده متوقف است بر: ۱. تهیه کتب و نشریات ادواری آثار خطی و چاپی، ۲. خدمات فهرست نویسی و آماده سازی کتب چاپی، ۳. راهنمایی مراجعان در امر دستیابی به کتب چاپی، ۴. تهیه فهرستهای راهنما برای مجموعه ها، نشریات ادواری، نقشه ها و جزوات، ۵. تهیه فهرست برای کتابهای خطی و اسناد قدیمی، ۶. تهیه میکروفیلم از کتابهای خطی و اسناد کهن، ۷. تهیه نسخه های عکسی از روی میکروفیلمها، ۸. انجام مبادلات کتب و نشریات با مجامع علمی و دانشگاهی، ۹. تأمین

مکان فعلی آن مساعد است؛ برای بانوان هم که از اول قابل استفاده نبوده است. آنچه اینک بیشتر مایه نگرانی همگان است، اینکه کتب خطی آنجا در معرض خطر می باشد.

دومین مرکز دارای کتب خطی در همدان، کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی سیناست که تعداد نسخ آن بالغ بر پانصد جلد می شود. فهرست توصیفی نسخ خطی مزبور توسط اینجانب در دست تألیف است و عنقریب جلد اول آن طبع و نشر خواهد یافت. اهمیت اساسی مخطوطات آنجا از لحاظ اطلاع رسانی و از جنبه موضوعی این است که غالباً مشتمل بر کتب و رسالات طبی است. یعنی می توان گفت که یک مجموعه نسبتاً کامل نسخ خطی پزشکی عربی - فارسی در آنجا گرد آمده که شاید چنین هیأت مجموع در ایران بی نظیر باشد. اما در جزو کتابهای چاپی کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی سینا که بالغ بر چهل و پنج هزار کتاب و نشریه ادواری می شود، حدود پانزده هزار جلد کتاب، مجموعه «صلاح الدین عثمان هاشم»<sup>۱</sup> سودانی می باشد، که خود داستان مفصلی دارد و در این مختصر نمی گنجد.

کوتاه سخن آنکه، دانشگاه بوعلی سینا هم از آغاز تأسیس آن که بیش از ۱۲-۱۳ سال نمی شود، یک پژوهشگاه در جنب کتابخانه مرکزی ایجاد کرد که محققان و کارشناسان و کتابداران بر جسته ای در آنجا کار و خدمت می کردند. هم آنان کتب و نشریات درجه اول از لحاظ علمی - فرهنگی به السنه مختلفه سفارش دادند و تهیه کردند، و ابتیاع و انتقال کتابخانه بسیار نفیس صلاح عثمان هاشم مذکور به همت آنان بود. متأسفانه آن پژوهشگاه از بین رفت، افرادش تار و مار

خدمات سمعی و بصری و وسایل کاربردی، ۱۰. تأسیس پژوهشگاهها، اتاقهای مرجع و تالارهای تحقیقاتی جنبی. و باید عرض کنم از این پنج فقرة آخر (۶ تا ۱۰) مطلقاً اثری و کوششی در کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی به دیده نمی آید؛ هر چند که وسایل و لوازم کار، مانند دستگاههای سمعی و بصری و افزارهای میکروفیلم و میکروفیش و امثال اینها به طور کامل و کافی در یکی از بخشهای غیرفعال دانشگاه موجود، ولی راکد و عاطل و باطل مانده است. آنچه اینک به صورت فعلی کار اطلاع رسانی را حتی المقدور در مرکز اداره می کند، دو بخش خدمات و مراجعات می باشد که مکرر گفته آمد شدیداً با کمبود کادر متخصص و کارمند مواجه است.

در زمینه بهره وری از اطلاعات مربوط به علوم اثباتی در دانشگاه بوعلی، هر چند که ذکر آن از حیطة گفتار بیرون است؛ اما توان گفت که وضع، قدری بهتر به نظر می رسد. و اگر چه حتی در حد متوسط هم قابل ذکر نیست؛ باز به سبب توجهات رؤسای وقت و مسؤولان امر که خود دانش آموختگان رشته های مزبور هستند، حسب سفارشهای کتب خارجی و نشریات مربوط، خصوصاً در رشته شیمی و سپس فیزیک نمی توان از ابراز رضایت نسبی خودداری کرد. بهره وران از کتب عبارتند از دانشجویان و مدرسان و کمابیش مراجعان بیرون از دانشگاه که این دسته شامل دانشجویان دانشگاه آزاد و اشخاص - به اصطلاح - متفرقه هم می شوند. اینان چون کارت عضویت کتابخانه را ندارند، عموماً از دستیابی به مراجع و منابع محروم می باشند؛ مگر آنکه بعضاً از طریق روابط دوستی و آشنایی با کتسابداران، گاهی از خدمات کتابخانه بهره یابند. اما دانشجویان رشته های دانشکده های علوم و ادبیات (باید گفت که دانشکده مهندسی خود یک کتابخانه اختصاصی دارد) کتابخانه را - چنان که وضع غالباً چنین است و قبلاً هم اشاره شد - قرائتخانه می پندارند، جایی که درنامه های خود، یا کتابهای کمک درسی را بخوانند؛ و

نیز محلی برای استراحت و چرت زدن یا «گپ زدن» بیابند اما در زمینه انتشاراتی وضع بسیار اسفبارتر از آن است که بتوان شطری بیان کرد. از آنجا که نشریات تخصصی و ادواری دانشگاهی، یکی از اهم وسایل اطلاع رسانی اخبار علمی و تحقیقی است؛ اساساً خود آنها نماد و نموده نشانه حضور فعال يك مؤسسه آکادمیک در عرصه های فرهنگی دانش و پژوهش کشور در همه جای جهان به شمار می رود. اما دانشگاه بوعلی سینیای همدان متأسفانه به عنوان نمونه حتی یکی از آنها را ندارد؛ سهل است يك نشریه چند صفحه ای یا خبرنامه داخلی هم ندارد که دست کم مردم و مسؤولان بدانند در آنجا چه می گذرد.

زمسسانی ششساعه «منتشرون کین ایسا پیس» (Publish or Perish) به مشابه قانون اساسی دانشگاهها و سایر مؤسسه های آموزشی و پژوهشی به شمار می رفت، و هنوز هم در همه جای دنیا همین قانون وسیعاً حکمروا و قویاً مجراست. حالا بدین تعبیر، آیا می توان گفت که دانشگاه شهرما (زیانم لال) آثار حیات چندان هم از وجنات آن پیدا نیست؟ اخیراً تلاش و کوششهایی شده است تا بلکه برای دانشکده ادبیات، يك نشریه یا مجله ارگان رویه راه کنند که سوگمندان این هم در چم و خم های دیوانی دوایر مربوط در وزارتخانه های علوم و ارشاد طلسم شده است.

روند انتشار در زمینه کتاب هم به طریق اولی و به عللی معین دستخوش رکود است. باید گفت که طرحهای تحقیقاتی دانشگاه بوعلی، چنان که در فرمهای رسمی و وزارتی آنها قید شده، قویاً بر جنبه های کاربردی و اطلاع رسانی، یا به

زیرا نوشته هایی که مؤلفان ولایتی ما به چاپ می سپرند، غالباً ارزش طبع و نشر ندارند. علی قول بیهقی «به یکبار خواندن هم نیرزد». وجوه مصرفی نیز بازده اقتصادی نداشته و چیزی بر نمی گردد.

خلاصه آن که با تأسیس دانشگاه در این شهر، امید و آرزوهای بسیاری در دل‌های مشتاقان، فرهیختگان، دانشدوستان، و طندوستان، فرهنگدوستان و فرهنگیان پدید آمد که خدا را بشود این مرکز به اصطلاح آکادمیک رسالتهای علمی، تحقیقی، تعلیمی و ادبی را چنان که بایسته و شایسته این شهر کهنسال است، جایی که نخستین دانشگاه جهان در آنجا ( مکتب سده اکباتان) بنیاد یافت، سازمان دهد و به سامان رساند. بیش از این تصدیق نباید داد، تنها از خدای تبارک و تعالی باید خواست که همهٔ خادمان دانش و فرهنگ را توفیق، رفیق کناد؛ بمنه و کرمه .



عبارت دقیقتر به «اطلاع رساندن مطالب» - یعنی در واقع نشر و طبع متون آنها - تأکید بلیغ گردیده است. حقیقت آن که نمی توان گفت که تمام طرحهای مزبور پس از پایان کار قابل طبع و نشر می باشد. زیرا چنان که همه می دانند، اگر نگوییم تمام، باری اکثر آنها به جهت میزان کم و کسر حقوق مدرسان دانشگاهی صورت انعقاد می یابد که اغلب هم معلوم نیست پس از به اصطلاح اجرای آنها با گزارش دهی معمول، و صدور بلافاصله دستور به حسابداری، در کجا ناپدید می شوند. خود اینجانب در یکی از بایگانیهای دانشگاه صدها جزوه از آنها را دیده ام؛ هزاران جزوه هم از اوراق تکثیر (پلی کپی) شدهٔ برخی از آنها موجود است که اینجانب دلسوزانه از آنها به عنوان کاغذ یک روسفید برای باطله و پاکتویس در قلمفرساییهایی علی اللوام خویش استفاده نموده، مصرف کاملاً واقعی «کاربردی» و «اطلاع رسانی» پژوهشی برای آنها یافته ام

همدان، پیشینهٔ انتشاراتی درخشانی دارد و از صدر مشروطیت، جراید مقبول و مشهوری به خود دیده است. چاپخانه های خوب داشته و کتابهای خویرتر دارد. از جمله نخستین رمانهای تاریخی و دیگر آثار ادبی برجستهٔ ادباء و فضلا و معارفیان را در زمان خود چاپ کرده اند. لیکن امروزه، متأسفانه وضع بسیار بد و ناچور است. یکی دو روزنامه دایر در این مرکز ایالت قدیمی ایران زمین یکسره با زیان و ضررهای بیپایی در معرض تهدید و تعطیل قرار دارند. اعتبارات بانکی که اخیراً به نویسندگان داده می شود، در همدان (و شاید همه جا) بهتر است که به ناشران داده شود.

۱. صلاح الدین عثمان هاشم سفیر اسبق سودان در ایران - پیش از انقلاب - از محققان کم نظیری بود که با زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، آلمانی، ترکی و روسی آشنایی کامل داشت. از جمله آثار وی ترجمه کتاب عظیم تاریخ الأدب الجغرافی استادش اگنات کراچکوفسکی - مستشرق و محقق روس - است که در دو مجلد بزرگ در قاهره چاپ شده است.

مجموعهٔ بسیار نفیس وی بالغ بر پانزده هزار جلد کتاب به زبانهای مختلف که برخی از کتابهای چاپی آن در حکم خطی است به راهنمایی تنی چند از استادان و فاضلان و همت مردی از استان همدان برای دانشگاه برعلی خریده شد، که اینک در کتابخانهٔ آن دانشگاه نگهداری می شود و مورد استفاده است.